

اشتباه عرفی را نیز افزایش می‌دهد چراکه پشت آنان به حای استوار و مقاومی چون فرزندانشان گرم است.

زمینه آشنایی را فراهم کنید

برنامه‌ریزی برای یافتن همسری مناسب از وظایف و حقوقی است که در درجه نخست بر فرزندان و در درجات بعدی متوجه اطرافیان فرد سالمند است. فرزندان و اطرافیان آگاه و دوراندیش باید زمینه‌ای را فراهم کنند تا سالمندان یا میان‌سالان تنهایشان، بتوانند با افراد مختلف آشنا شوند؛ مثلاً اگر فردی را مناسب می‌بینند سعی کنند شرایط آشنایی بیشتر را برای آن دو نفر فراهم کنند؛ در مهمانی‌ها و آموشدسهای خانوادگی، دوستان و همسایگان می‌توان مواردی را مدنظر قرارداد. ثبت‌نام سالمندان در نهادهای اجتماعی، فرهنگی، ورزشی، هنری، تورهای مسافرتی زیارتی و سیاسیاتی... از راه‌های دیگری است که علاوه بر حفظ سلامت و شادابی، منجر به آشنایی‌های هدفمند در جهت انتخاب همسر می‌شود. توصیه می‌کنیم هرگز در تلاشتان برای ازدواج سالمندان هراسی به دل راه ندهید، بپذیرید در مسیر بدیعی گام گذاشته‌اید که بسیاری حتی فکرش را هم محال می‌دانند؛ بهتر است بپذیرید شما از مدافعان چنین فرهنگ شایسته‌ای در خانواده یا جامعه هستید.

نگران والدینتان باشید

فرزندانی که پدر یا مادری تنها در خانواده‌دارند باید بیش از گذشته نگران والدینشان باشند. گرچه شاید بسیاری از افراد سعی می‌کنند به روش‌های مختلف والدین تنهایشان را حمایت کنند اما بی‌گمان بنا بر دلایل متعددی نمی‌توانند همیشه و در همه حال حامی و پشتیبان آن‌ها باشند چهبا استقلال یا مصائب زندگی شخصی هریک از فرزندان باعث می‌شود گاهی در انجام بسیاری از امور مرتبط‌ قصور یا فراموشی شوند که صدالبته این وضعیت کاملاً طبیعی است اما برای والد تنها، بمنزله طردشدگی و موردتوجه نبودن است. تجربه ناخوشایندی که باعث ایجاد بی‌اعتمادی و احساس عدم امنیت در وی می‌شود. هر فرد در هر سنی نیازمند موردتوجه بودن و دوست داشته شدن است. حال، فردی که همسرش را ازدست‌داده نه‌فقطش به خاطر فرادی از یار دچار آسیب می‌شود بلکه نبود شخصی برای ابراز محبت و عشق‌ورزی بر اِیسن نیاز طبیعی دامن زده و گاه فرد را تا به مرز استیصال و درماندگی پیش می‌برد. روان‌شناسان معتقدند عدم ارضای نیازهای عاطفی و احساس فشار بابت آن موجب تضعیف سیستم ایمنی بدن می‌شود که تسریع روند پیری و فاصله گرفتن از مرز سلامت، کمترین پیامد جبران‌ناپذیر آن است. از سوی دیگر بیماری و بستری شدن زودهنگام، والدین تنها را بیش از سالمندان دیگر مورد تهدید قرار می‌دهد که این عامل مسبب ایجاد دردرسهای بزرگ و حتی اختلال‌های قلبی‌عروقی است. تجربه سالمند را درگیر می‌کند بلکه برای فرزندان نیز مصائب و مشکلات متعددی را رقم می‌زند. به همین دلیل توصیه می‌شود شما به‌عنوان یک فرزند خلف، مانع و غافل از حقوق به‌حق والدینتان نشوید، بسیار بجاست برای تأمین عاطفه آنان از هیچ تلاشی دریغ نکنید و حتی در پیمودن مسیر انتخاب شریک جدید زندگی، والدینتان را همواره حمایت کنید.

❖برای ازدواج سالمندان تلاش کنید اگر در پاک‌سازی ذهن و اصلاح دیدگاه متعصبانه‌تان موفق شوید و عشق ناگهانی را گسترش دهید بی‌تردید می‌توانید ادله‌های عقلی و عاقلانه‌ای را جایگزین توجیه‌های مبتنی بر عرفی کنید که معمولاً نیز اشتباه هستند. به آنچه باور و اعتقاد یافته‌اید اِیمان بیاورید داشته باشید؛ یا گمان این روش می‌توانید دیگران را نیز تحت تأثیر اندیشه روشنفکرانه و عاقلانه خود قرار دهید. درباره ازدواج سالمندان با دیگران سخن بگویید البته صحبت صرف کافی نیست به هر زبان می‌آورید عمل بکنید مثلاً اگر در اطرافیان خود سالمندی را سراغ دارید- او را ترغیب به ازدواج کنید بـا برای ازدواج پدر و مادر تنها خود آشنا یا با نزدیکان. به بسیاری شما باشد اما شما می‌توانید یکی از متولیان یا مبلغان این امر مهم باشید.

زن یا مرد دیده است، برایش بسیار دشوار خواهد بود سال‌های پیری را به‌تنهایی و در عزلت بگذراند. حضور یک همدم و مونس نقش مهمی در سلامت روان و تقویت روحیه سالمندان دارد چراکه تحقیقات متعددی نشان داده امید دوباره به زندگی با ازدواج سالمندی تضمین می‌شود. نیاز به دوست داشته شدن، همدلی، حمایت و احساس نیاز به صمیمیت برطرف می‌شود، میزان افسردگی کاهش می‌یابد، عمر طولانی‌تر می‌شود، شادی و اعتمادبه‌نفس افزایش می‌یابد. از سوی دیگر روان‌شناسان مهم‌ترین فایده ازدواج سالمندی را حضور یک هم‌زبان در زندگی فرد می‌دانند؛ حضور هم‌زبانی که در یک دوره تحولی با سالمند است.

حرف مردم را بی‌خیال شوید

برخی از فرزندان از ترس حرف‌وحديث مردم یا زخم‌زبان‌های آنان به‌انچار ترجیح می‌دهند خود یا سالمندانشان را تسلیم عقاید عرفی جامعه‌ کنند این در حالی است که اگر در خلوتی به تفکر بنشینند و بی‌هیچ سوگیری راجع به این موضوع اندیشه کنند بی‌تردید متوجه می‌شوند که نباید سلامت، خوشبختی و صلحت والدینشان را هرگز به بهای ارزان یک‌سخن و اندیشه‌های بی‌منطق و واهی بفروشند! یادتان باشد شما به‌عنوان یک فرزند نقش مهمی در تأمین نیازها و ترغیب والدین سالمندان به ازدواج دارید. توصیه می‌کنیم با خودتان روراست باشید و هیچ‌گاه اجازه ندهید هیچان‌های موقت بر قدرت اندیشه‌تان غلبه کند، تلاش داشته باشید تا به‌یقین بپذیرید ازدواج والد تنهایشان هیچ‌گاه بمنزله جایگزین کردن شخصی جدید در نقش پدر یا مادر ازدست‌رفته یا فراموش کردن او نیست چهبا هیچ‌کس نمی‌تواند جای خالی آن عزیز را در ذهن و روان شما پر کند اما مجبورید و شرایط فعلی‌تان ایجاب می‌کند که احساساتی رفتار نکنید و بیش از هر چیز به فکر سلامت والد در قید حیاتتان باشید چراکه شما به‌عنوان یک فرزند در قبال تأمین نیازهای عاطفی والدینتان مسئول هستید و باید برای حفاظت و جلوگیری از مرگ تدریجی او به فکر جراهی باشید.

به والدین سالمند تنها، آگاهی بدهید

بسیاری از سالمندان به‌خصوص بانوان سالمند به حرمت هم‌سفر ازدست‌رفته دست از همه‌چیز می‌کشوند و برای همیشه تارک‌دنیا می‌شوند، گرچه برخی نیز باوجود میل باطنی بنا بر دلایلی، مجبور به پذیرش تنهایی می‌شوند و برای همیشه قید ازدواج را می‌زنند یا با تجدید فراش مخالفت می‌کنند. نیش و طعنه‌های و حرف‌های بی‌پایان اطرافیان، ترس از دست دادن صمیمیت و محبت فرزندان، واهمه دوری از فرزندان و قطع شدن دیدارهای هفتگی، ماهانه و حتی سالانه هراس از سرزنش، تحقیر و ملعیه دست دیگران شدن... ازجمله دلایل امتناع سالمندان از ازدواج مجدد است. این مخالفت‌ها درست و به‌جای خود اما شما به‌عنوان یک فرزند وظیفه‌دار به‌جای دامن زدن یا بال‌پر دادن به عقاید والدینتان او را متوجه این امر کنید که وی، فردی سالم وزنده است و زندگی کردن نیز حق اوست و باید مانند دیگران یک زندگی طبیعی را تجربه کند. بهتر است فطرت و عاطفه طلب و مهر دوست‌ آدمی را یادآور شوید و برابر مقاومت‌های او ایستادگی کنید البته این تنها یکدیگر سکه است، درروی دیگر آن، والدین تنها یا سالمند ایجاب می‌کنند که از دست دادن فرزندان حقیقت بیان آن‌ها را جدی نمی‌گیرند یا با تمسخر و مسخره کردن آنان را از ادامه تصمیمشان منصرف می‌کنند. به این فرزندان نیز توصیه می‌کنیم تمام به ازدواج والدینشان را جدی بگیرند و به‌جای بی‌توجهی و اهمیت قائل نشدن، تسهیلگر این امر باشند و برای تأمین سلامت جسمی و عاطفی والدینشان از هیچ تلاشی دریغ نکنند. بی‌تردید حمایت فرزندان از ازدواج والدینشان نه‌تنها موجب استقبال تدریجی آنان از ازدواج می‌شود بلکه توان مقابله آنان با تفکرات

چرا برخی فرزندان در مقابل ازدواج والدین تنها مقاومت می‌کنند؟

نترسید؛ سرپیری معرکه بگیرید

❖ ارتباط فرزندان با سالمندان چگونه است؟
آیا چیزی جز انجام‌وظیفه و صرف‌مدت‌زمان کوتاه‌ی برای تأمین مایحتاج زندگی‌شان است؟
آیا این حق آنان است که به یک‌سور زدن هفتگی یا روزانه فرزندان قانع باشند و زمان‌های زیادی را با یک خروار تنهایی تنها بمانند؟
برای پاسخگویی به پرسش‌های فوق لازم است نگاه عمیق و واقع‌بینانه‌ای داشته باشیم و به‌دوراز تعصبات به مسئله ازدواج سالمندان بیندیشیم. درست است تأمین نیاز جنسی مهم‌ترین انگیزه ازدواج است اما باید در این برهه سنی راجع به این مسئله به‌گونه‌ای دیگر فکر کرد. سالمندی دورانی از زندگی است که فرد دستخوش تغییرات شدید بیولوژیکی و هورمونی قرار می‌گیرد، با افزایش سن، قوای جنسی در آقایان به دلیل کاهش میزان فعالیت هورمون‌ها و در بانوان به خاطر پائینگی و کاهش ترشحات درون رحمی، شدت کاهش می‌یابد. با این حساب سرانگشتنی بپراحتی می‌توان اذعان کرد که سالمندان برخلاف جوانان ۲۰ و ۴۰ ساله برای تأمین نیاز جنسی تمایل به ازدواج نمی‌شوند بلکه ارضای نیاز عاطفی و تأمین امنیت روانی مهم‌ترین عامل گرایش آنان به ازدواج است و فهم این مهم چندان هم مشکل و سخت نیست.

از سوی دیگر باید بپذیرید تنها ماندن سالمند در آشیانه خالی حاصلی جز از دست رفتن سلامت و استقلال شدن بدن، احساس نامنی، بیپهودگی، یاس و ترس و هجوم افکار منفی ناشی از ازدواج نکردن و درنهایت نیز چیزی جز انتظار کشیدن برای مرگ نیست همچنین به خود بقبولانید شما به‌عنوان فرزند نمی‌توانید تام‌الاختیار و به‌طور کامل در خدمت والدین سالمندان باشید؛ درگیری‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی روزمره و خانوادگی مانع بزرگی برای این امر است بنابراین باید بپذیرید حق نذایرد برای پدر سالمند یا مادر سالمندی که شرایط ازدواج مجدد را دارند تعیین تکلیف کنید.

فواید ازدواج سالمندان

سهراب می‌گوید: خدا مادرم را رحمت کند، زن باوقفا و مهربانی بود اما چه کنیم دست‌روزگار او را گلچین و پندرم را بی‌همدم و ناسی مونس کرد.
بآنکه برایم سخت بود اما بعد از چهلم مادرم به‌توافق خواهرانم به دنبال شخص مناسبی برای ازدواج با پدرم بودیم گرچه او به‌کرات سا را انجام این کار نهی می‌کرد اما کار خودمان را کردیم و بالاخره الان چند ماهی است به زندگی پدرم سروسامان داده‌ایم. ازدواج او هم به نفع ما بود و هم به نفع خودش. احساس می‌کنم سرزندتر از قبل و امیدوارتر از همیشه به زندگی است.

ازدواج در سالمندی فواید بیشتری از ازدواج در جوانی دارد، سالمندی که در سال‌های جوانی به خود

خوهرم بگوید با مرده که نمی‌شود مرد، زندگی حق آدم زنده است!
اوایل سخت مخالف این امر بودم ولی شرایط سخت مالی از یک‌طرف و تنهایی و بی‌کسی نیز از طرفی دیگر باعث شد به این پیشنهاد ازدواج جدی‌تر فکر کنم و جواب بده بدهم. الان حدود یک سال است با همسرم زندگی می‌کنم گرچه سنی از هردوی ما گذشته اما هر دو خوشحال هستیم و لحظات خوبی را کنار هم می‌گذرانیم.

روان‌شناسان معتقدند ازدواج در هر سنی به‌شروط آن که در مسیر درست و با در نظر گرفتن چارچوب‌های عقلانی پیش رو، رویدادی مثبت تلقی می‌شود در غیر این صورت امر است که موجب به وجود آمدن مشکلات عدیده‌ای در زندگی می‌گردد. ازدواج سالمندان یکی از بهترین نوع ازدواج‌ها و با کمترین احتمال خطر است چهبا فرد در این سن به‌دوراز هوس‌ها و با کوله باری از تجربه به واقعیت‌های زندگی و روابط آن می‌اندیشد. معمولاً سالمندان با تبدیل هوس‌های جوانی به عشق و با نگاهی کاملاً متفاوت به ازدواج به دنبال فردی برای همدلی، همفکری و همبستگی هستند که بتوانند در کنار او نیز به آرامش برسند.

گرچه سلامت ازدواج‌های سالمندی بالاست اما دامن آن‌ها را مشکلاتی تهدید می‌کند مثلاً بالا بودن سن یکی از مهم‌ترین مشکلات زوجین که‌هن‌سال است، هر دو طرف پیر هستند و هر یک به فردی نیاز دارند که به آن‌ها رسیدگی کند در چنین شرایطی انتظار به دوش کشیدن بار دیگری در زندگی امری محال است اما بایں‌حال سالمند باید درگیران معتمد در خانه و کنار سالمند ازجمله اهداف این نوع از ازدواج است. همین‌که فردی در خانه بتواند در شرایط اضطرار کمک‌حال سالمند باشد یا دیگران را از خطر آگاه کند کافی است البته حضور این فرد باعث پر شدن خلأ عاطفی و افزایش روحیه و انگیزه نیز می‌شود. چهبا به‌کرات مشاهده کرده‌ایم که برخی از سالمندان بیمار بعد از ازدواج با فردی مثل خودش، سال‌ها زنده مانده‌اند و زندگی کرده‌اند.

❖ عشق پیری گر یچنبد، سر به رسوایی زندا
سزارا می‌گوید: من باعقیده خواهرم مریم سخت مخالفم او حق ندارد با تقاضای ازدواج پدرم مخالفت کند.
دقیقا دو سال است مادرم به خود خا خورده رفته و اگرچه من و خواهرم در این سال‌ها سعی کرده‌ایم شرایط زندگی پدرمان را مهیا کنیم تا او کمتر دچار زحمت شود اما من کاملاً متوجه این مطلب هستم که پدرم هرچیز از دیبرو در خود فرو می‌رود و انگیزه زندگی‌اش را از دست می‌دهد. او چیزی نمی‌گوید ولی من می‌دانم تنهایی او را اذیت می‌کند. وقتی او از تنها در خانه می‌بینم دلم می‌شکند آخر تا کی باید با عکس مادر مرحومم به گفت‌وگو بنشیند او زنده است و نیاز به همدم زنده دارد. کسی نیست به

❖ نیاز و علت اصلی تمایل سالمندان به ازدواج چیست؟
❖ آیا به‌راستی والدین سالمند صرفاً برای تأمین نیازهای جنسی‌شان ازدواج می‌کنند؟ حتی اگر چنین است این امر چه اشکالی دارد؟

آن تنهایی سالمند است.

پس به جرئت می‌توان گفت درک اطرافیان از احساسات و انتظارات سالمندان موردتوجه واقع‌شدن و همچنین تصحیح رابطه اعضای خانواده با آنان مهم‌ترین عامل است که در فرآیند بهداشت روانی سالمندان نقش بسزایی دارد به همین دلیل بسیاری از روان‌شناسان برای حفظ و ارتقای بهداشت روان، به سالمندانی که به لحاظ جسمانی نیاز چندانی به مراقبت‌های اطرافیان ندارند و بیشتر از نظر روانی احساس تنهایی می‌کنند توصیه می‌کنند به‌جای استخدام پرستار به‌عنوان یک همدم به فکر تجدید فراش باشند و با فراهم کردن شرایط ازدواج زندگی مشترک جدیدی را تجربه کنند.

ازدواج سالمندان، ازدواجی بدون ریسک

زهر ا می‌گوید: من بانویی ۶۰ ساله هستم که ده سال پیش همسرم را از دست دادم. سال‌ها به‌تنهایی زندگی کرده‌ام. روزهای سختی بود اما گذشت تا این‌که یکی از دوستانم ازدواج با مجید را به من پیشنهاد داد. اوایل سخت مخالف این امر بودم ولی شرایط سخت مالی از یک‌طرف و تنهایی و بی‌کسی نیز از طرفی دیگر باعث شد به این پیشنهاد ازدواج جدی‌تر فکر کنم و جواب بده بدهم. الان حدود یک سال است با همسرم زندگی می‌کنم گرچه سنی از هردوی ما گذشته اما هر دو خوشحال هستیم و لحظات خوبی را کنار هم می‌گذرانیم.

روان‌شناسان معتقدند ازدواج در هر سنی به‌شروط آن که در مسیر درست و با در نظر گرفتن چارچوب‌های عقلانی پیش رو، رویدادی مثبت تلقی می‌شود در غیر این صورت امر است که موجب به وجود آمدن مشکلات عدیده‌ای در زندگی می‌گردد. ازدواج سالمندان یکی از بهترین نوع ازدواج‌ها و با کمترین احتمال خطر است چهبا فرد در این سن به‌دوراز هوس‌ها و با کوله باری از تجربه به واقعیت‌های زندگی و روابط آن می‌اندیشد. معمولاً سالمندان با تبدیل هوس‌های جوانی به عشق و با نگاهی کاملاً متفاوت به ازدواج به دنبال فردی برای همدلی، همفکری و همبستگی هستند که بتوانند در کنار او نیز به آرامش برسند.

گرچه سلامت ازدواج‌های سالمندی بالاست اما دامن آن‌ها را مشکلاتی تهدید می‌کند مثلاً بالا بودن سن یکی از مهم‌ترین مشکلات زوجین که‌هن‌سال است، هر دو طرف پیر هستند و هر یک به فردی نیاز دارند که به آن‌ها رسیدگی کند در چنین شرایطی انتظار به دوش کشیدن بار دیگری در زندگی امری محال است اما بایں‌حال سالمند باید درگیران معتمد در خانه و کنار سالمند ازجمله اهداف این نوع از ازدواج است. همین‌که فردی در خانه بتواند در شرایط اضطرار کمک‌حال سالمند باشد یا دیگران را از خطر آگاه کند کافی است البته حضور این فرد باعث پر شدن خلأ عاطفی و افزایش روحیه و انگیزه نیز می‌شود. چهبا به‌کرات مشاهده کرده‌ایم که برخی از سالمندان بیمار بعد از ازدواج با فردی مثل خودش، سال‌ها زنده مانده‌اند و زندگی کرده‌اند.

❖ عشق پیری گر یچنبد، سر به رسوایی زندا
سزارا می‌گوید: من باعقیده خواهرم مریم سخت مخالفم او حق ندارد با تقاضای ازدواج پدرم مخالفت کند.
دقیقا دو سال است مادرم به خود خا خورده رفته و اگرچه من و خواهرم در این سال‌ها سعی کرده‌ایم شرایط زندگی پدرمان را مهیا کنیم تا او کمتر دچار زحمت شود اما من کاملاً متوجه این مطلب هستم که پدرم هرچیز از دیبرو در خود فرو می‌رود و انگیزه زندگی‌اش را از دست می‌دهد. او چیزی نمی‌گوید ولی من می‌دانم تنهایی او را اذیت می‌کند. وقتی او از تنها در خانه می‌بینم دلم می‌شکند آخر تا کی باید با عکس مادر مرحومم به گفت‌وگو بنشیند او زنده است و نیاز به همدم زنده دارد. کسی نیست به

❖ عشق پیری گر یچنبد، سر به رسوایی زندا
سزارا می‌گوید: من باعقیده خواهرم مریم سخت مخالفم او حق ندارد با تقاضای ازدواج پدرم مخالفت کند.
دقیقا دو سال است مادرم به خود خا خورده رفته و اگرچه من و خواهرم در این سال‌ها سعی کرده‌ایم شرایط زندگی پدرمان را مهیا کنیم تا او کمتر دچار زحمت شود اما من کاملاً متوجه این مطلب هستم که پدرم هرچیز از دیبرو در خود فرو می‌رود و انگیزه زندگی‌اش را از دست می‌دهد. او چیزی نمی‌گوید ولی من می‌دانم تنهایی او را اذیت می‌کند. وقتی او از تنها در خانه می‌بینم دلم می‌شکند آخر تا کی باید با عکس مادر مرحومم به گفت‌وگو بنشیند او زنده است و نیاز به همدم زنده دارد. کسی نیست به

سپهرغرب، گروه اجتماعی: آقای اکبری را همه در محلمان می‌شناساختند، همان پیرمرد عصابه‌دست تنها و کم رفت‌وآمده‌ی که خط انوی شسلوارش خربزه قاچ می‌کرد! چند سالی است همسرش فوت کرده، از همسایه‌ها شنیده‌ایم چند وقتی همراه بـا فرزندانـش زندگی می‌کند اما حالا می‌خواهد با بانویی ازدواج کند و به خانه‌اش برگردد. همسایه‌ها از زبان آقای اکبری شنیده‌اند که می‌گوید: خانم مرادی، پیرزن خونگرم و مهربانی است که فرزندانم او را برای من انتخاب کرده‌اند. او رابطه صمیمانه‌ای با فرزندانم دارد. آن‌ها هم‌دگر را با بسیاری دوست دارندـ و احترام یکدیگر را نگه می‌دارند اما متأسفانه همان‌قدر که فرزندان من راغب به این ازدواج هستند فرزندان ایشان دلگیر و ناراحت‌اندـ و دقیقاً به همین دلیل خانم مرادی در تردید ازدواج با من است. این وضعیت برای من و ایشان بسیار ناراحت‌کننده است. ما انتخاب‌های خوبی هستیم و به‌یقین می‌توانیم چند سال باقی‌مانده از عمرمان را در کنار هم با شادی و خوشبختی بگذرانیم ولی فرزندان خانم مرادی با این ازدواج مخالفاند و روی خوش به من نشان نمی‌دهند. آن‌ها مرا به چشم مردی می‌بینند که قرار است جای پدر مرحومشان را بگیرد از همه مهم‌تر مادرشان را مواژه می‌کنند و بابیان عبارات ناخوشایندی مثل «سر پیری و معرکه‌گیری» او را تحقیر می‌کنند و ممکن است خانم مرادی باوجود تمایل خودش به خاطر مخالفت‌های فرزندانـش قید ازدواج با من را بزند!

داد از تنهایی

مادر بزرگ می‌گوید: بعد از فوت پدربزگتان کمرم شکست. او مرد مهربان و وفاداری بسود. زندگی ما گرچه مشکلات بسیاری داشت اما کوهی از مشکلات نیز هیجوقت نتوانست عاقله ما را نسبت به امید کند. از وقتی مرا تنها گذاشت و رفت دیگر آمیدی به زندگی ندارم. دلم برای نگاه پیرمرد شریف و شیرینش و خنده همیشه بر لبایش تنگ‌شده ... تنهایی این روزها عجیب برایم سخت است. من در این سال‌های زندگی هیچ‌وقت به او گله و شکایتی نبرده‌ام اما امروز از او ناراحت و دلگیرم. او حق نداشت مرا تنها بگذارد و برود.

احساس تنهایی یکی از مشکلات دنیای سالمندی است و به‌عنوان فقدان روابط اجتماعی مطلوب با دیگران تعریف می‌شود. احساس تنهایی حالتی متفاوت از انزوا اجتماعی است. تنهایی، وضعیت ناخوسته و نامطلوبی است که باوجود میل باطنی فرد هنگام فقدان ارتباطات معنی‌دار رخ می‌دهد درحالی‌که انزوا اجتماعی حالتی است که فرد تمایل و نیاز به برقراری ارتباط با دیگران را دارد اما قادر به برقراری ارتباط نیست.

احساس تنهایی در هر سنی احتمال بروز دارد اما در سالمندی میزان شیوع آن بیشتر است. شاید به همین دلیل است که روان‌شناسان تنهایی و احساس تنهایی را مهم‌ترین ویژگی دوران سالمندی می‌دانند. بیشتر سالمندان احساس تنهایی می‌کنند؛ ازدواج فرزندان از یک‌سور، مرگ همسر و فقدان حضور همدم دوران جوانی از سوی دیگر سالمند را دچار بحران «آشیانه خالی» می‌کند. سالمندان در این دوران به‌خودی‌خود فاقد منابع مجدد دوستی می‌شوند چراکه بسیاری از آن‌ها بازنشسته هستند و موقعیت ایجاد روابط دوستانه در فضای کار را ازدست‌ده‌اند؛ گرچه گاهی ناتوانی جسمانی و حرکتی نیز مزید بر علت شده و سالمند را برای همیشه خانه‌نشین می‌کند.

محرومیت از برقراری هر‌گونه ارتباط با دیگران وضعیتی است که می‌تواند برشدت تنهایی سالمند بیفزاید. تنهایی و احساسات مایوس‌کننده متعاقب آن منشأ بسیاری از مشکلات روانی ازجمله افسردگی است که گاه باعث افزایش میزان مصرف داروهای آرام‌بخش و مسکن در برخی از سالمندان نیز می‌شود. از سوی دیگر تحقیقات متعددی نشان داده است که دلایل بسیاری از مرگ‌های دوران سالمندی ناشی از کهولت سن یا بیماری نیست بلکه علت اصلی

سپهرغرب، گروه اجتماعی: علاوه بر فرد بیکار، خانواده نیز از این مسأله آسیب می‌بیند به ویژه وقتی که فرد بیکسار نان‌آور خانواده محسوب شود آنجاست که بحران جدی‌تر شده و آتش بگو مگوها و مشاجره‌ها بالا می‌گیرد. و بیکاری علاوه بر سلامت فرد سلامت خانواده را نیز تهدید می‌کند.

به کلیه فعالیت‌های تخصصی و رسمی و کارهای غیررسمی کسب‌وکار می‌گویند اصالتاً در طبقه‌بندی اشتغال و کار از نظر اقتصادی شغل کاذب وجود ندارد بلکه مفاهیم اشتغال ناقص، کار تولیدی، اشتغال رسمی و غیررسمی به چشم می‌خورد و بیکاری وضعیتی است که در آن گروهی به کار اشتغال نداشته باشند یا در جریان انتقال به کار جدید باشند یا دستخورد در سطح دستمزدهای واقعی کاری برای خود بایند. درواقع بیشتر افرادی که توانی برای انجام کاردارند موفق به کسب‌وکار نمی‌شوند و بیکار به‌حساب می‌آیند.

بیکاری سبب شده تا آسیب‌هایی به بنیان خانواده و جامعه وارد شود لذا سپهرغرب بر آن شد در پی بررسی تأثیرات بیکاری در محیط خانواده و رویکردها و آسیب‌های ناشی از آن به سطح شهر رفته و به گفتگو با افراد بدون شغل یا افرادی که یکی از اعضای خانواده‌شان دچار این مشکل‌اند پرداخته که در ادامه می‌آید:

یک مادر همدانی که از وضعیت اشتغال فرزند خود ناراضی بود و از مسئولان تقاضای احداث کارخانه و ایجاد اشتغال در شهر همدان را داشت، عنوان کرد: فرزندم از بیکاری رنج می‌برد و دچار آسیب روحی شده است.

وی در ادامه با اشاره به مشکلات متعدد فرزندانـش افزود: پسرم علی‌رغم داشتن تحصیلات به دلیل نداشتن کار احساس بی‌ارزشی می‌کند.

این مادر همدانی به بیکاری پدرش هم اشاره‌ای کرد و گفت: تنگدستی و محرومیت‌های ناشی از آن آرامش خانواده را سلب کرده و حتی در مواردی سبب محرومیت فرزندان از تحصیل و بالطبع